

هویت ملی ایرانی و جوانان

دکتر زهرا حضرتی صومعه^۱

چکیده

هویت عبارت است از مجموعه خصایصی که شخص، چیز یا احساس درونی را تعیین می‌کند. نیروی انسانی هر جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت آن کشور دارند. از آنجا که کشور ایران، کشور جوانی است لذا توجه به هویت ملی ایرانی، امری ضروری است. عناصر بنیانی تشکیل دهنده هویت ملی ایرانی جغرافیا، تاریخ و فرهنگ است که جوانان ایرانی در برهه‌های مختلف نشان دادند که "تمامیت ارضی کشور" برایشان مهم است، بنابراین این بخش از هویت ملی ایرانی در بین جوانان ایرانی زنده، پویا، پررنگ و فعال است. جوانان ایرانی برای آنکه نسبت به هویت ملی خود آگاهی یابند باید "تاریخ گذشته کشور" را بدانند تا این‌که دلایل وقوع حوادث برای آنها محرز شود و دچار سردرگمی نشوند. بنابراین آگاهی از گذشته کشور ایران، به جوانان کمک می‌کند تا به عنوان یک ایرانی به هویت ملی خود پی ببرند. هویت ملی با "فرهنگ و تمدن و دین و سیاست و زبان" در ارتباط نزدیک است و هر چه در جامعه قابلیت ظهور و رشد دارد از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد. ما یک نوع پیوند روحی و معنوی داریم و تجلیات تاریخ، ما را به صورت یک روح ایرانی درآورده است. خلاصه این‌که عناصر سازنده هویت ملی، عناصری پایان‌ناپذیرند. روح ملی وجدان بیدار یک ملت است که حرکت کلی او در تاریخ را هدایت می‌کند. با توجه به این‌که درصد بالایی از افراد جامعه ایران، جوانان هستند راهکارهای زیر برای آنکه هویت ملی ایرانی در جوانان ما درونی شود و جزئی از شخصیت آنها قرار گیرد لازم به نظر می‌رسد: دادن آگاهی و اطلاعات کافی و مفید به قشر جوان جامعه؛ مشارکت جوانان در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی؛ آزادی بیان، فکر و اندیشه؛ ایجاد روحیه تتبع و پژوهش در جوانان برای کشف هویت پنهان خود، هویت ملی، هویت ملی ایرانی.

واژه‌های کلیدی

هویت ملی، هویت ملی ایرانی، ملیت، مذهب، جوانان، همبستگی ملی، وفاق اجتماعی.

^۱استادیار جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان.

مقدمه

در ضرورت شناخت هویت ملی ایرانی سه محور عمده را باید در نظر گرفت: جامعه ایران یک جامعه بالنسبه همگن و متجانس است و وحدت ملی و هویت و شخصیت ایرانی، طی یک تاریخ بسیار طولانی شکل گرفته و رشد یافته و حوادث تاریخی نیز روابط اجتماعی را سیقل داده‌اند؛ انقلاب اسلامی و رابطه ملیت و مذهب که دو روی یک سکه و دو وجه از یک واقعیت هستند، زنده نگه داشتن و حضور عرق ملی در تک تک افراد جامعه یک ضرورت تاریخی است که از ایمان دینی مردمان سرچشمه می‌گیرد و ملیت و مذهب مغایرتی با هم ندارند؛ مسأله ناحیه‌گرایی که البته انقلاب اسلامی از جهاتی هویت تازه‌ای به ملت ایران بخشید، همبستگی ملی را در تمامی سطوح گسترش داد و به عنصر دین و آزادی جایگاه خاصی بخشید.

هویت ملی و اجتماعی، پیدایش هویت شخصی را برای جوانان تسهیل می‌کند. پرسش جوانان درباره هویت ملی؛ نه تنها ارتباط نزدیک با آگاهی ملی مناسب زمان دارد بلکه به جوانان یاری می‌دهد تا امکانات، انتزاعات و عمومیت‌های یک جامعه جهانی و شهری را در پرتو هویت ملی خود بهتر درک کنند. در این مقاله سعی می‌شود تا به بررسی هویت ملی در بین جوانان پرداخته شود.

تعریف هویت (Identity)

- معنای جامعه‌شناختی هویت، با توجه به نظر گافمن (E. Goffman) چنین است: کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن است در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است. بدین سان به نظر گافمن، فرد بین "من در شرایط موجود" و "من واقعی" قرار دارد:
- من در شرایط موجود Virtual Self: فرد در چارچوب شرایطی است که در درون آن جای یافته است؛ منی است منبعث از پایگاه اجتماعی، نقش‌های محول و...
- من واقعی Actual Self: توانایی‌های فرد و ویژگی‌های اوست بیرون از شرایطی که در آن جای یافته است.
- رفتار انسانی از پیوند این دو من شکل می‌گیرد و صورتی بی‌همتا، خاص و ممتاز می‌یابد. (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۳۸۲)
- هویت عبارت است از مجموعه خصایصی که شخص، چیز یا احساس درونی را تعیین می‌کند. احساس هویت از مجموعه متفاوت احساس‌ها ترکیب می‌شود مانند: احساس

وحدت، احساس همسازی، احساس تعلق، احساس ارزش، احساس استقلال و احساس اعتماد سازمان یافته بر محور اراده موجود. (شیخاوندی، ۱۳۸۳: ۵۴۰)

- " هویت - من " پایدار با فرآیند جامعه پذیری شکل می‌گیرد و در روند کسب " هویت - من " انسان دارای مهارتهایی می‌شود که برای کنش مستقل در جامعه ضروری هستند. (شفرز، ۱۳۸۴: ۱۱۳)

ضرورت شناخت هویت ملی ایرانی

در ضرورت شناخت هویت ملی ایرانی باید سه محور عمده زیر را مد نظر قرار داد:

محور اول: جامعه ایران یک جامعه بالنسبه همگن و متجانس است و وحدت ملی و هویت و شخصیت ایرانی، طی یک تاریخ بسیار طولانی شکل گرفته و رشد یافته و حوادث تاریخی نیز روابط اجتماعی را صیقل داده‌اند؛ اما نباید فراموش کنیم که ادوار مختلف تاریخی با بینش‌ها و ایدئولوژی‌های کم و بیش متفاوتی بر روی هم انباشته شده‌اند، و گروه‌ها و قشرها و زبان‌های محلی - هرچند با ریشه مشترک - و مذاهب مختلف کم و بیش وجود دارند که باید همگی بتوانند در یک قالب ملی، هویت خاص ایرانی خود را حفظ و تقویت کنند.

محور دوم: انقلاب اسلامی و رابطه ملیت و مذهب - در دهه اول انقلاب اسلامی، خاصه در شور و شوق اولیه انقلاب نیز، عده‌ای سلطه دینی را در نفی ملیت جست و جو می‌کردند، چنان که عده‌ای از ملت و ملیت به عنوان یک برچسب نامطلوب استفاده کردند. گذشت زمان و برخوردهای بین المللی و مسایل دیگر نشان داد که منافع و حد و مرز سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی یک ملت را نمی‌توان تسلیم یک‌ایده آلیسم مبهم و نامشخص جهان وطنی و کلی یا منطقه‌ای کرد. در دهه دوم انقلاب، ضرورت‌های همبستگی ملی و حفظ استقلال و تمامیت ایران و فرهنگ و ارزش‌های ایران اسلامی - که در وجدان تک تک افراد جامعه نهفته است - بیش از پیش روشن شده است؛ و امروزه کمتر کسی ملیت را مغایر مذهب و مذهب را نافی ملیت می‌داند؛ بلکه آنها دو روی یک سکه و دو وجه از یک واقعیت دانسته می‌شوند. از این رو شناخت این هویت ملی با عنصر دینی در آن در این شرایط خاص زمانی، یک ضرورت است. خلاصه آنکه، زنده نگه داشتن و حضور عرق ملی در تک تک افراد جامعه یک ضرورت تاریخی است که از ایمان دینی مردمان سرچشمه می‌گیرد و ملیت و مذهب مغایرتی با هم ندارند.

محور سوم: مسأله ناحیه گرایی: وحدت ملی و هویت ملی همواره از دو سو می‌توانند تحت فشار و تنش قرار گیرند؛ یکی از سوی گرایش‌های ایدئولوژیک (جهان وطنی) و دیگر از سوی قوم گرایی و ناحیه گرایی محلی که می‌تواند به بهانه‌های مختلف قومی، نژادی، زبانی و غیره مطرح شود. اما عمق همبستگی تاریخی ملت ایران و یگانگی در تاریخ، مذهب، زبان، آداب و سنن و منافع مشترک کمتر چنین مسأله‌ای را قابل طرح می‌کند؛ گرچه نمی‌توان در این مورد زیاده از حد خوشبین بود و همه چیز را به دست حوادث سپرد. انقلاب اسلامی از جهاتی هویت تازه‌ای به ملت ایران بخشید، همبستگی ملی را در تمامی سطوح گسترش داد و به عنصر دین و آزادی جایگاه خاصی بخشید.

بی شک شناخت هویت ملی یک ضرورت و تکیه بر آن یک نیاز است. یکی از اصیل‌ترین جنبش‌های ناسیونالیستی که در تاریخ ایران شکل گرفت، بر محور ملی شدن صنعت نفت و رشد نهضت ملی بود که هم جنبه ضد استعماری و استقلال طلبانه داشت و هم جنبه ضد استبدادی؛ از ایده‌آل‌ها و آرمان‌های انقلابی سرچشمه می‌گرفت و توانست در دوره‌ای همبستگی ملی و هویت واقعی ملت را در قالب این آرمان متبلور کند و ارزش‌های انسانی و جهانی ملت مسلمان ایران را به جهانیان بشناساند. البته این گونه حرکت‌ها می‌تواند در شناخت هویت ملی نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. (توسلی، ۲۹۷-۲۹۴)

عناصر تشکیل دهنده هویت ملی

شناخت هویت ملی و عناصر آن، با مسأله فرهنگ، تمدن، دین و سیاست در ارتباط نزدیک است؛ بنابراین با تحولات جهانی نیز در ارتباط است. پس شناخت هویت ملی و عناصر آن، معنایی پویا و کارکردی دارد که در ذیل به عناصر تشکیل دهنده هویت ملی پرداخته می‌شود:

۱. **سرزمین مشترک، ظرف جغرافیایی:** هرملتی معمولاً در قالب یک ظرف جغرافیایی شکل می‌گیرد؛ و حد و حدود این ظرف جغرافیایی برای یک کشور فوق العاده مهم است و این در حقیقت حفظ چارچوب جغرافیایی یک ملت است. چنین ظرفی در تمام دوران‌های تاریخی قالبی است که نظام فرهنگی و سیاسی، خودش را در آن می‌تواند شکل بدهد.
۲. **گذشته تاریخی جامعه:** تاریخ، حاصل یک کشاکش تاریخی چندین هزار ساله بوده که توانسته است از پیچ و خم‌های تاریخی و از دست‌اندازهای مختلف عبور کند. اگر ما این

موضوع را درک نکنیم، در واقع هویت ملی خود - که هویتی تاریخی است - را انکار کرده ایم.

۳. **فرهنگ:** عنصر سوم در هویت ملی فرهنگ است. ارزش‌های فرهنگی نیز در کلیت فرهنگ اهمیت زیادی دارند؛ به این لحاظ که بایدهوولوی و با دین و فکر ارتباط دارد. در واقع ارزش‌های انسانی پشتوانه رفتار و اعمال آنها هستند و در فرهنگ شکل‌گیری عناصر این ارزش‌ها، نقش مهمی دارد. عناصر فرهنگی، شالوده و اجزای فرهنگ و وابسته به ارزش‌های فرهنگی هستند. بنابراین هر وقت ارزش‌ها تغییر کنند یا متزلزل شوند، عناصر فرهنگی نیز دچار تغییر یا تزلزل می‌شوند.

عناصر تشکیل دهنده هویت ملی ایرانی

هویت ملی ایرانی نیز از عناصری تشکیل شده است:

۱- **سرزمین مشترک، ظرف جغرافیایی:** هرملتی معمولاً در قالب یک ظرف جغرافیایی شکل می‌گیرد؛ و حد و حدود این ظرف جغرافیایی برای یک کشور فوق‌العاده مهم است و این در حقیقت حفظ چارچوب جغرافیایی یک ملت است. چنین ظرفی در تمام دوران‌های تاریخی قالبی است که نظام فرهنگی و سیاسی، خودش را در آن می‌تواند شکل بدهد. در تاریخ همواره مرز و بوم کشور ما تهدید شده و حتی بخش‌هایی از آن از دست رفته و یا به واسطه مقاومت بازپس گرفته شده است. به هر ترتیب، درباره‌ی مسأله سرزمین، این محیط جغرافیایی که میهن نام گرفته شده و کلمه ایران طنین آن را با خود دارد، عنصری است که با احساس خوشایند وطن دوستی به ذهن متبادر می‌شود و اهمیت اساسی دارد.

این سرزمین وسیع و پربرکت به همه ساکنان آن تعلق دارد و تنها با مشارکت و بسیج همگان می‌تواند از گزند هرگونه تهدید و حادثه‌ای مصون بماند. خاصه در لحظاتی که این گونه تهدیدها به صورت توطئه‌های جهانی و امپریالیستی مطرح می‌شوند، مسأله جغرافیا و سرزمین موضوع ساده‌ای نیست و برای تمام جامعه و تک تک افراد و اعضای ملت اهمیت حیاتی دارد. کوچکترین شهر یا ده یا جزیره یا منطقه، برای همه ملت جزء جدایی‌ناپذیر یک تن واحد است؛ پاره‌ای است از یک بدن که تمام اجزاء و عناصر نسبت به آن حساس و برای آن ارزش قائلند. این حساسیت، یک حساسیت مهم و تاریخی است و از همان هویت ملی سرچشمه می‌گیرد و به وحدت سرزمین مربوط می‌شود.

۲- **گذشته تاریخی جامعه:** هویت تاریخی ما، در حقیقت تمام جوانب حیات اجتماعی و خاطره‌های مشترک و گذشته پر نشیب و فراز جامعه ایران را شامل می‌شود؛ به طوری که اقوام ایرانی با کنش‌ها و واکنش‌هایی مختلف در تاریخ، صورت صیقل یافته کنونی را پیدا کرده است. این هویت تاریخی صرف نظر از ترکیب آن با عوامل دیگر، به تنهایی حالت یک‌ایدئولوژی ملی را پیدا می‌کند به طوری که می‌بینیم گذشته به اندازه‌ای تأثیر دارد که به قول اگوست کنت: «جامعه بیش از آنکه از زندگان تشکیل شود از مردگان تشکیل شده است.»؛ تاریخ گذشته در سرنوشت کشوری مثل ایران خیلی مهم بوده، یعنی شکل‌گیری ایران در تاریخ، حاصل یک کشاکش تاریخی چندین هزار ساله بوده که توانسته است از پیچ و خم‌های تاریخی و از دست‌اندازهای مختلف عبور کند. اگر ما این موضوع را درک نکنیم، در واقع هویت ملی خود - که هویتی تاریخی است - را انکار کرده ایم. در هر حال آنچه در مورد انقلاب اسلامی با اهمیت است، شناخت و قبول ایران به عنوان یک واقعیت تاریخی است. البته لازم به ذکر است که در همه حال باید به هویت ملی - در معنای مردمی اش - توجه کرد و بر برآیند تاریخ تکیه کرد.

۳- **فرهنگ:** عنصر سوم در هویت ملی فرهنگ است. ارزش‌های فرهنگی نیز در کلیت فرهنگ اهمیت زیادی دارند؛ به این لحاظ که با ایدئولوژی و با دین و فکر ارتباط دارد. در واقع ارزش‌های انسانی پشتوانه رفتار و اعمال آنها هستند و در فرهنگ شکل‌گیری عناصر این ارزش‌ها، نقش مهمی دارد. عناصر فرهنگی، شالوده و اجزای فرهنگ و وابسته به ارزش‌های فرهنگی هستند. بنابراین هر وقت ارزش‌ها تغییر کنند یا متزلزل شوند، عناصر فرهنگی نیز دچار تغییر یا تزلزل می‌شوند. از سوی دیگر عناصر فرهنگی، بسیار زیاد و متنوع هستند. یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگی «زبان» است که نقش عمده‌ای در تبلور هویت ملی دارد و یکی از عناصر اصلی همبستگی ملی و ارتباط سیاسی نسل‌های مختلف است. به علاوه، زبان، هنر، فلسفه، ادبیات، شعر، اندیشه‌ها و اسطوره‌ها در قالب زبان ملی شکل می‌گیرند و حاوی پیام نسل‌های مختلف به یکدیگر هستند. لذا، زبان یکی از ارکان عمده هویت ملی ماست و بدون آن نمی‌توانیم هویت ملی را به خوبی تعریف کنیم. حفظ زبان و تکامل بخشیدن به آن، با رشد آثار و افکار و اندیشه‌ها همراه و همگام است. زبان در شکل ظاهری خود، شخصیت فرهنگی و تمدنی جامعه است که هویت ساز است و زبان بیانگر آن است.

به هر حال، فرهنگ و تمدن را مجموعه پیچیده‌ای از زبان، شناخت‌ها، اعتقادات، حقوق، هنرها، آداب و اخلاق و خصوصیات می‌دانند که انسان به عنوان عضو جامعه آنها را کسب می‌کند.

فرهنگ در جامعه ما نه تنها از پشتوانه تاریخی چندین هزار ساله برخوردار است و اجداد ما در این سرزمین منادی کار و کوشش و آبادانی و فعالیت و توسعه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی بوده‌اند، بلکه ارزش‌های والای اسلامی خود پشتوانه قدرتمند و محکمی بوده است که تا اعماق وجود ما ریشه دوانده و ضامن وحدت و سلامت و نیروی محرکه هر نوع حرکتی در جامعه بوده است.

هویت ملی با فرهنگ و تمدن و دین و سیاست و زبان در ارتباط نزدیک است و هر چه در جامعه قابلیت ظهور و رشد دارد از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد. ما یک نوع پیوند روحی و معنوی داریم و تجلیات تاریخ، ما را به صورت یک روح ایرانی درآورده است. خلاصه این‌که عناصر سازنده هویت ملی، عناصری پایان ناپذیرند. روح ملی وجدان بیدار یک ملت است که حرکت کلی او در تاریخ را هدایت می‌کند. (توسلی، ۳۰۵-۲۹۷)

جوانان و جست و جوی هویت

دوره جوانی زمانی است که انسان با انرژی، با حساسیت در برابر بازتاب‌های محیط و مسئولیت‌پذیری فردی به دنبال کسب هویت است. جوانان باید نقطه اتکایی برای پیوند با خود، با جنس مقابل و با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی محیط اطراف بیابند. جوان باید در فرایند جامعه‌پذیری صلاحیت و آمادگی‌گزینش و رد و تصاحب عناصر محیط اجتماعی را کسب کند. به رغم وجود والدین، دوستان، معلمان و خویشاوندان جوانان در حل بسیاری از مسائل تنها هستند. جوانان تنها هستند، چون مشکلات ویژه خودشان را دارند. شماری از این مشکلات متعلق به تمامی جوانان است، اما گاهی دشواری‌ها ناشی از زندگی در چارچوب فرهنگ و جامعه‌ای خاص است. گاهی نیز جوانان تنها هستند، چون بسیاری از بزرگسالان گوش شنوا را از دست داده‌اند.

جوان برای کسب آمادگی سازگاری با محیط از نظر زیستی - انسان شناسی باید برای وقایعی که در اطراف او در جریان هستند، حساسیت خارق العاده داشته باشد. این وقایع می‌توانند در پیوند با اشخاص، اشیاء، فرهنگ، سنت، گروه‌ها، نهادها، دیدگاه‌ها و شیوه‌های رفتاری اطرافیان او باشند. دوستان و گروه‌های دوستی، بیشتر از معلمان و والدین در توسعه و ساختن نظرها، داوری‌ها، اعتقادات و شیوه رفتار جوانان اثر دارند. چون به نظر بزرگسالان، جوانان غیرمعتدل، متلون و ناپایدار در انگیزه‌ها، نگرش‌ها، علاقه‌ها و خلق و خو هستند. اما دوستان نیز، جوانان را از بحران‌های وجدانی، ترس‌ها، تردیدها و عدم اطمینان نجات نمی‌دهند.

در مرحله هویت سازی ما شاهد نگرش‌ها و شیوه‌های رفتاری متضاد در بین جوانان هستیم: جوانی درون‌گراست و همزمان همان جوان بیرون‌گراست؛ منتقد به محیط اطراف و منتقد به خود است؛ جوان ساده است؛ در برابر رفتار دیگران به ویژه همسالان حساس است، در عین حال نسبت به محیط اطراف بی تفاوت است؛ خجالتی و در همان حال پرخاشگر است؛ غرق در رویاهاست، در همان حال نسبت به دنیای اطراف حساس و آماده پذیرش است. گرایش جوانان همراه باندکی بی میلی است و بر عکس در هر عدم تمایل‌اندکی گرایش نهفته است.

جوانان تمایل دارند تصورات و اعتقادهای پیچیده و چندپهلوی را کنار گذارند، آنها می‌خواهند به جای امور پیچیده، پدیده‌هایی روشن و معین قرار دهند. (شفرز، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۱۶)

جوانان در جست و جوی هویت هستند که در این زمینه یکی از پدیده‌هایی که نقش اساسی در هویت سازی دارند نهادهای اجتماعی هستند. یک نهاد پایدار خدمات زیر را به جامعه ارائه می‌دهد:

- جهت گیری رفتاری را برای فرد آسان می‌کند؛
 - به فرد آرامش می‌دهد، تا او انرژی و وقت خود را برای اهداف و فعالیت‌های دیگر به کار برد؛
 - شرایطی فراهم می‌کند، تا افراد بتوانند نتایج کنش خود را پیش بینی کنند؛
 - شرایط را برای بهره گیری بیرونی از انگیزه‌ها فراهم می‌کند. (شفرز، ۱۳۸۴: ۱۲۳)
- هویت ملی و اجتماعی، پیدایش هویت شخصی را برای جوانان تسهیل می‌کند. پرسش جوانان درباره هویت ملی؛ نه تنها ارتباط نزدیک با آگاهی ملی مناسب زمان دارد بلکه به جوانان یاری می‌دهد تا امکانات، انتزاعات و عمومیت‌های یک جامعه جهانی و شهری را در پرتو هویت ملی خود بهتر درک کنند.
- نیروی انسانی هر نظام اجتماعی و جامعه، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت آن کشور دارند. از آنجا که کشور ایران، کشور جوانی است و درصد بالایی از جمعیت در گروه سنی جوان قرار دارند و آینده سازان کشور به حساب می‌آیند لذا توجه به هویت ملی ایرانی، امری ضروری است. با توجه به آنکه هویت ملی ایرانی از عناصری تشکیل شده که در ذیل به بیان عناصر متشکله هویت ملی ایرانی در ارتباط با جوانان پرداخته می‌شود:

به هر ترتیب، درباره‌ی مسأله سرزمین، این محیط جغرافیایی که میهن نام گرفته شده و کلمه ایران طنین آن را با خود دارد، عنصری است که با احساس خوشایند وطن دوستی به ذهن متبادر می‌شود و اهمیّت اساسی دارد.

این سرزمین وسیع و پربرکت به همه ساکنان آن تعلق دارد و تنها با مشارکت و بسیج همگان می‌تواند از گزند هرگونه تهدید و حادثه‌ای مصون بماند. خاصه در لحظاتی که این گونه تهدیدها به صورت توطئه‌های جهانی و امپریالیستی مطرح می‌شوند، مسأله جغرافیا و سرزمین موضوع ساده‌ای نیست و برای تمام جامعه و تک تک افراد و اعضای ملت اهمیّت حیاتی دارد. نمونه بارز این امر را می‌توان "جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران" را نام برد که در آن جوانان غیور ایرانی، جان خود را در کف دست گرفته و با تمام نیرو به دفاع از مرزهای ایران اسلامی پرداختند. کوچکترین شهر یا ده یا جزیره یا منطقه، برای همه ملت جزء جدایی ناپذیر یک تن واحد است؛ پاره‌ای است از یک بدن که تمام اجزاء و عناصر نسبت به آن حساس و برای آن ارزش قائلند. این حساسیت، یک حساسیت مهم و تاریخی است و از همان هویت ملی سرچشمه می‌گیرد و به وحدت سرزمین مربوط می‌شود. بنابراین جوانان ایرانی در برهه‌های مختلف نشان دادند که تمامیت ارضی کشور برایشان مهم است، بنابراین این بخش از هویت ملی ایرانی در بین جوانان ایرانی زنده، پویا، پررنگ و فعال است. هویت تاریخی ما، در حقیقت تمام جوانب حیات اجتماعی و خاطره‌های مشترک و گذشته پر نشیب و فراز جامعه ایران را شامل می‌شود؛ به طوری که اقوام ایرانی با کنش‌ها و واکنش‌هایی مختلف در تاریخ، صورت صیقل یافته کنونی را پیدا کرده است. این هویت تاریخی به تنهایی حالت یک‌ایدئولوژی ملی را پیدا می‌کند. تاریخ گذشته در سرنوشت کشوری مثل ایران خیلی مهم بوده، یعنی شکل‌گیری ایران در تاریخ، حاصل یک کشاکش تاریخی چندین هزار ساله بوده که توانسته است از پیچ و خم‌های تاریخی و از دست‌اندازهای مختلف عبور کند. اگر ما این موضوع را درک نکنیم، در واقع هویت ملی خود - که هویتی تاریخی است - را انکار کرده ایم. در هر حال آنچه در مورد انقلاب اسلامی با اهمیّت است، شناخت و قبول ایران به عنوان یک واقعیت تاریخی است. البته لازم به ذکر است که در همه حال باید به هویت ملی - در معنای مردمی‌اش - توجه کرد و برآیند تاریخ تکیه کرد. جوانان ایرانی برای آنکه نسبت به هویت ملی خود آگاهی یابند باید تاریخ گذشته کشور را بدانند تا این که دلایل وقوع حوادث برای آنها محرز شود و دچار سردرگمی

نشوند. بنابراین آگاهی از گذشته کشور ایران، به جوانان کمک می‌کند تا به عنوان یک ایرانی به هویت ملی خود پی ببرند.

عنصر سوم در هویت ملی فرهنگ است. ارزش‌های فرهنگی نیز در کلیت فرهنگ اهمیت زیادی دارند؛ به این لحاظ که بایدهوژنی و با دین و فکر ارتباط دارد. در واقع ارزش‌های انسانی پشتوانه رفتار و اعمال آنها هستند و در فرهنگ شکل‌گیری عناصر این ارزش‌ها، نقش مهمی دارد. عناصر فرهنگی، شالوده و اجزای فرهنگ و وابسته به ارزش‌های فرهنگی هستند. بنابراین هر وقت ارزش‌ها تغییر کنند یا متزلزل شوند، عناصر فرهنگی نیز دچار تغییر یا تزلزل می‌شوند. از سوی دیگر عناصر فرهنگی، بسیار زیاد و متنوع هستند. یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگی « زبان » است که نقش عمده‌ای در تبلور هویت ملی دارد و یکی از عناصر اصلی همبستگی ملی و ارتباط سیاسی نسل‌های مختلف است. لذا، زبان یکی از ارکان عمده هویت ملی ماست و بدون آن نمی‌توانیم هویت ملی را به خوبی تعریف کنیم. حفظ زبان و تکامل بخشیدن به آن، با رشد آثار و افکار و اندیشه‌ها همراه و همگام است. زبان در شکل ظاهری خود، شخصیت فرهنگی و تمدنی جامعه است که هویت‌ساز است و زبان بیانگر آن است. امروزه در کشور ایران، آموزش و ترویج و استفاده هماهنگ از زبان فارسی در کل کشور، به ایجاد و گسترش هویت ملی یاری می‌رساند.

به هر حال، فرهنگ و تمدن را مجموعه پیچیده‌ای از زبان، شناخت‌ها، اعتقادات، حقوق، هنرها، آداب و اخلاق و خصوصیات می‌دانند که انسان به عنوان عضو جامعه آنها را کسب می‌کند.

فرهنگ در جامعه ما نه تنها از پشتوانه تاریخی چندین هزار ساله برخوردار است و اجداد ما در این سرزمین منادی کار و کوشش و آبادانی و فعالیت و توسعه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی بوده‌اند، بلکه ارزش‌های والای اسلامی خود پشتوانه قدرتمند و محکمی بوده است که تا اعماق وجود ما ریشه دوانده و ضامن وحدت و سلامت و نیروی محرکه هر نوع حرکتی در جامعه بوده است. ارزش‌های دینی که در کشور ما جاری است به عنوان عامل نیرومندی است که به جوانان ما یک هویت ملی ایرانی - اسلامی عرضه می‌کنند.

هویت ملی با فرهنگ و تمدن و دین و سیاست و زبان در ارتباط نزدیک است و هر چه در جامعه قابلیت ظهور و رشد دارد از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد. ما یک نوع پیوند روحی و معنوی داریم و تجلیات تاریخ، ما را به صورت یک روح ایرانی درآورده است. خلاصه این‌که عناصر سازنده هویت ملی، عناصری پایان‌ناپذیرند. روح ملی وجدان بیدار یک ملت است که

حرکت کلی او در تاریخ را هدایت می‌کند. کشوری چون ایران با پیشینه تاریخی چند هزار ساله و چهره‌های ماندگار، با شناساندن قهرمانان ملی و فرهنگ‌آفرینان بزرگ خویش به نسل جوان و برپایی مراسم بزرگداشت برای آنها، می‌تواند جامعه را به خودباوری لازم رسانیده و آمادگی همیشگی برای پاسداری از استقلال و یکپارچگی وطن را در نسل جوان زنده نگه دارد. هر بزرگ‌داشتی برای قهرمانان ملی یک کشور باید عامل مؤثری در ایجاد همبستگی و وحدت هر چه بیش‌تر میان افراد آن جامعه باشد.

گفته شد که عناصر بنیانی تشکیل دهنده هویت ملی ایرانی جغرافیا، تاریخ و فرهنگ است که البته هر یک از این عناصر، خرده عناصر بیشتری را شامل می‌شوند؛ با توجه به این‌که درصد بالایی از افراد جامعه ایران، جوانان هستند بنابراین برای آنکه هویت ملی ایرانی در جوانان ما درونی شود و جزئی از شخصیت آنها قرار گیرد راهکارهای زیر لازم به نظر می‌رسد: دادن آگاهی و اطلاعات کافی و مفید به قشر جوان جامعه؛ مشارکت جوانان در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی؛ آزادی بیان، فکر و اندیشه؛ ایجاد روحیه تتبع و پژوهش در جوانان برای کشف هویت پنهان خود، هویت ملی، هویت ملی ایرانی.

جمع بندی و نتیجه گیری

" هویت - من " پایدار با فرآیند جامعه پذیری شکل می‌گیرد و در روند کسب " هویت - من " انسان دارای مهارتهایی می‌شود که برای کنش مستقل در جامعه ضروری هستند. افراد و ارزش‌ها، رسوم و عادات، گروه‌ها و نهادها پیش شرط هویت سازی انسان و عوامل پایداری رفتار اجتماعی هستند. این عناصر سبب جهت گیری انسان در زندگی می‌شوند، به زندگی معنا می‌دهند و هنگامی که توسط گروه بزرگی از مردم پذیرفته شده باشند، سبب کسب اعتماد در رفتار می‌شوند. آنهایی که به این عناصر باور داشته باشند، تا حدودی خود را نسبت به آنها مسئول احساس می‌کنند. بنابراین اگر جوانان در جامعه باور و اعتماد کافی نسبت به عناصر داشته باشند، خود را در سرنوشت کشورشان مسئول می‌دانند.

در جامعه امروز، جوانان با دشواری شناخت هویت ملی خود به عنوان یک ایرانی مواجه هستند. هویت ملی با فرهنگ و تمدن و دین و سیاست و زبان در ارتباط نزدیک است و هر چه در جامعه قابلیت ظهور و رشد دارد از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد. ما یک نوع پیوند روحی و معنوی داریم و تجلیات تاریخ، ما را به صورت یک روح ایرانی درآورده است. خلاصه

این‌که عناصر سازنده هویت ملی، عناصری پایان ناپذیرند. روح ملی وجدان بیدار یک ملت است که حرکت کلی او در تاریخ را هدایت می‌کند.

گفته شد که عناصر بنیانی تشکیل دهنده هویت ملی ایرانی جغرافیا، تاریخ و فرهنگ است که البته هر یک از این عناصر، خرده عناصر بیشتری را شامل می‌شوند؛ با توجه به این‌که درصد بالایی از افراد جامعه ایران، جوانان هستند بنابراین برای آنکه هویت ملی ایرانی در جوانان ما درونی شود و جزئی از شخصیت آنها قرار گیرد راهکارهای زیر لازم به نظر می‌رسد: دادن آگاهی و اطلاعات کافی و مفید به قشر جوان جامعه؛ مشارکت جوانان در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی؛ آزادی بیان، فکر و اندیشه؛ ایجاد روحیه تتبع و پژوهش در جوانان برای کشف هویت پنهان خود.

جوانان ایرانی با همت عالی خود باید نسبت به هویت ملی خود به عنوان یک ایرانی واقف شده و در حفظ و تقویت و گسترش عناصر بنیانی تشکیل دهنده هویت ملی ایرانی - جغرافیا، تاریخ و فرهنگ - نهایت تلاش خود را به کار برند.

فهرست منابع

فارسی

- ۱- استونز، راب، (۱۳۸۱)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز.
- ۲- انجمن جامعه‌شناسی ایران، (۱۳۸۳)، مسایل اجتماعی ایران، تهران، نشر آگه.
- ۳- توسلی، غلامعباس، جستارهایی در جامعه‌شناسی معاصر، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
- ۴- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
- ۵- شفرز، برنهارد، (۱۳۸۴)، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران، نشر نی.
- ۶- کوزر، لیوئیس، (۱۳۷۴)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ۷- ریتزر، جورج، (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

